

آداب و آیین مراسم کشتی گیله‌مردی در فرهنگ گیلان

امیر هوشنگ برونی^۱

چکیده

در گیلان، ورزش در کنار زندگی مردم شکل گرفته است. تنوع مشاغل و کار در مزارع و شالیزارها، رودخانه‌ها، مرداب‌ها، کوه‌ها و جنگل‌ها، موجب شکل‌گیری فعالیت‌های مختلف ورزشی در این منطقه از کشور شده است. کشتی، قایقرانی و کوهنوردی ورزش‌هایی هستند که به نوعی از ورزش‌های بومی و محلی استان گیلان محسوب می‌شوند.

یکی از مراسم باشکوه و هیجان‌انگیزی که در میان مردم گیلان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و قدمتی دیرینه در این منطقه دارد، کشتی گیله‌مردی است. این کشتی در مواقع خاصی مانند زمان برداشت محصول، بین پهلوانان روستاها برگزار می‌شود و همانند هر فعالیت ورزشی دیگر، کارکردهای مختلف دارد. یکی از کارکردهای مهم این ورزش آیینی، ایجاد همبستگی بین روستاییان است. بررسی و معرفی این ورزش بومی، به اشاعه آن در میان جوانان

۱. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی amirhooshangboroni@yahoo.com

کمک می‌کند. همچنین نمایش چنین مراسمی از رسانه باعث افزایش و ارتقای کارکردهای آن در منطقه می‌شود. استفاده از این کشتی و سایر کشتی‌های محلی در مسابقه‌های مختلف، بویژه برنامه‌های تهیه شده در گروه تفریح و سرگرمی، می‌تواند لحظات شادی را برای مخاطبان تلویزیون ایجاد کند.

کلیدواژه‌ها: کشتی پهلوانی، کشتی گیله‌مردی، پهلوانان، کشتی‌گیر، ورزش‌های آیینی



مقدمه

واژه ورزش از فعل ورزیدن، به معنی تکرار عمل، انجام کار پیاپی، ممارست و تمرین به کار می‌رود. اما در اصطلاح، ورزش به مجموعه‌ای از فعالیت‌های سازمان‌یافته اطلاق می‌شود که به منظور کسب مهارت و افزایش قابلیت‌ها در رقابت‌های بدنی انجام می‌شوند. در این فعالیت‌ها، به مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز توجه می‌شود.

ورزش‌ها دست‌کم باید از سه ویژگی یادگیری مهارت، ایجاد رقابت و وجود ضوابط و قواعد مشخص منطقه‌ای یا جهانی برخوردار باشند. (آذربانی، ۱۳۸۲: ۲)

امروزه ورزش یکی از مهم‌ترین نهادهای جوامع بشری به شمار می‌رود که اغلب مردم به نوعی با آن در ارتباط هستند. کارکردگرایان، ورزش را به مثابه نهادی شبه‌مذهبی در نظر می‌گیرند که با مراسم و تشریفات خاص خود، به تقویت ارزش‌های مشترک بین افراد و جامعه کمک می‌کند. این گروه همچنین بر تأثیر ورزش در جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان و سازگار کردن افراد جامعه با ارزش‌های مثبتی همچون میهن‌پرستی و نقش آن در توانایی‌های فیزیکی، تأکید دارند و آن را عرصه‌ای برای تجلی تنش‌ها و تخلیه انرژی پرخاشگرانه به شیوه اجتماعی مطلوب در نظر می‌گیرند. به اعتقاد صاحب‌نظران این مکتب، ورزش، افراد یک جامعه یا حتی یک ملت را دور هم جمع می‌کند و نوعی احساس وحدت و یکپارچگی اجتماعی را رواج می‌دهد. به علاوه ورزش ابزاری است که زمینه را برای شکوفایی استعدادهای افراد شایسته فراهم می‌سازد. (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴: ۴۳)

به طور کلی، نظریه پردازان دیدگاه کارکردگرایی، موارد زیر را به عنوان کارکردهای ورزش در نظام اجتماعی برشمرده‌اند:

- کسب مهارت‌های اجتماعی

- شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی

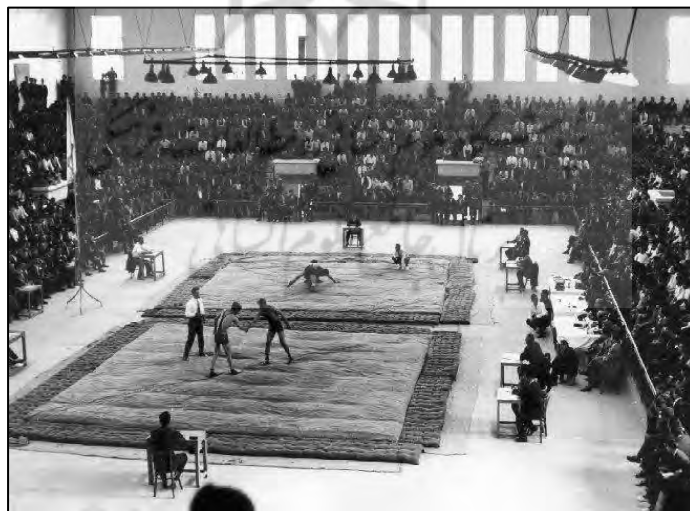
- دسترسی به فرصت‌های تحصیلی و حرفه‌ای

- کنترل اجتماعی

- رهایی از تنش‌ها

- تندرستی جسمانی و... (سخنی، ۱۳۸۸: ۱۳)

اگر در کنار تمام ویژگی‌های مثبت ورزش، منش پهلوانی نیز مورد توجه قرار گیرد، ورزش کردن مفهوم کاملتری می‌یابد. در فرهنگ ایرانی - اسلامی، پهلوانی واژه و مفهوم مهمی است که تأکید بر آن می‌تواند رقابت‌های ناسالم را از ورزش کشور حذف کند. پرداختن به مفهوم پهلوانی در قالب معرفی ورزش‌های سنتی، یکی از راه‌های بازآفرینی و ترویج آن در جامعه ورزشی کشور است.



ورزش پهلوانی

در دوران صفویه و زندیه، کشتی و ورزش باستانی و پهلوانی رونق بی‌سابقه‌ای در ایران یافت. در دوران قاجاریه، علاقه به این ورزش به قدری بود که در زمان ناصرالدین شاه برای اولین بار، شخصی به نام صاحب‌الدوله، مأمور توسعه ورزش کشتی شد و این ورزش چنان رواجی پیدا کرد که در تمامی روزهای تعطیل، پهلوانان در میدان‌های شهر به کشتی گرفتن می‌پرداختند.

از زمان رضاشاه، زورخانه با فرهنگ جدید رونق بیشتری یافت و در کنار زورخانه‌ها، باشگاه‌ها و ورزشگاه‌های مختلف شکل گرفت. با تأسیس اداره تربیت بدنی و اجباری شدن ورزش در مدارس و پادگان‌های نظامی، جوانان کشتی‌گیر از زورخانه‌ها به میدان‌های ورزش در مدارس و پادگان‌های نظامی روی آوردند.

در گذشته، ورزش کشتی با شرایط، خصوصیات و قوانین خاص هر ناحیه یا منطقه از کشور انجام می‌شد و قواعد و آداب و رسوم محلی هر منطقه بر این رشته ورزشی تأثیر فراوان داشت. از مشهورترین کشتی‌های مناطق ایران می‌توان به کشتی‌های زیر اشاره کرد:

کشتی «جنگ» در منطقه الیگودرز، کشتی «بغل به بغل» در قزوین، کشتی «آشیرها» (âširhâ) در آذربایجان شرقی، کشتی «عربی» در میان ایلات و عشایر خوزستان، کشتی «گرش» (gareš) در مناطق ترکمن‌نشین، کشتی «کمربندی» (kamarbandi) در اصفهان، کشتی «لشکرکشی» در یزد، کشتی «کج‌گردان» (kaj gardân) در سیستان و بلوچستان، کشتی «دسته بغل» در استان فارس، کشتی «زوران پاتوله» (zorân pātule) در کردستان، کشتی «لری» در لرستان، کشتی «اوجو» (ojo) در مازندران، کشتی «با چوخه» (bâ čuxe) در خراسان و کشتی «گیله‌مردی» در استان گیلان.

در میان ورزش‌های بومی محلی، کشتی «گیله‌مردی» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و پهلوانان زیادی در این رشته ورزشی حتی در استان مازندران فعالیت می‌کنند.

کشتی گيله مردی

کشتی گيله مردی از جمله ورزش‌هایی است که از گذشته در گیلان معمول بوده و هنوز هم به آن پرداخته می‌شود. این کشتی در اغلب نقاط گیلان و قسمت‌هایی از مازندران مرسوم است و قدمت آن به سال‌ها پیش از حمله مغول به ایران می‌رسد. (www.gilan.irib.ir)

کشتی گيله مردی از ورزش‌های مورد علاقه مردم منطقه است. برگزاری این زورآزمایی، آغازی بسیار زیبا و دیدنی دارد: پیش از شروع، با صدای ساز و نقره همه اهالی محل را باخبر می‌کنند و جمعیت بسیاری دور میدان کشتی گرد می‌آیند. آنگاه کشتی‌گیران هر محل در قسمتی از میدان در کنار هم قرار می‌گیرند و زورآزمایی آغاز می‌شود. در تمام این مدت با استفاده از یک آلت موسیقی بادی معروف به ساز که شبیه قره‌نی است آهنگ‌هایی نواخته می‌شود که علاوه بر تشویق و تقویت روحیه پهلوانان بر شکوه و رونق این مراسم می‌افزاید.

در گذشته‌های دور، این کشتی پهلوانی در بین جوانان جنگجو و زورمند گیلانی رواج بسیار داشت. زمان گزینش پهلوانان «موشتی کوشتی» (*mošti košti*) از زمان خوشه برآوردن شالیزارها تا هنگامی بود که باران‌های موسمی، امکان برگزاری این مراسم را ناممکن می‌کرد. در گذشته، کشتی گيله مردی در زیر آسمان و بر پهنه مرغزارهای سرسبز گیلان که با نام «سیمبر» شناخته می‌شد، صورت می‌گرفت. تا چندی پیش، مرغزارهای بسیاری در سرتاسر گیلان به همین نام شهرت داشت که ویژه برگزاری کشتی «گيله مردی» و «ورزا جنگ» بود. اما امروزه با گسترش محدوده‌های شهری، این مرغزارها از بین رفته‌اند و هنگامی که می‌خواهند کشتی گيله مردی را به صورت سنتی اجرا کنند، در محدوده‌ای پوخته برنج می‌ریزند و آن را برای کشتی آماده می‌کنند.

در گذشته، کشتی در مراسم مختلفی مانند عروسی‌ها، جشن‌های خرمین، اعیاد رسمی و مجالس پذیرایی از پادشاهان، امیران، خوانین و سفیران اجرا می‌شد. بسیاری از جهانگردانی که به این منطقه سفر کرده‌اند، در مراسم مختلف، نحوه کشتی گرفتن پهلوانان را دیده و در سفرنامه‌های خود از آن یاد کرده‌اند.

کشتی‌گیران در میدان کشتی در جهت قبله حرکت می‌کردند. آنان با رعایت احترام پهلوانان سالمند، پشت سر هم می‌ایستادند و نیم‌تنه‌ای را که بر تن داشتند درمی‌آوردند و به نخستین کار این مراسم یعنی جست‌زنی می‌پرداختند. به این کار «واز» (vâz) گفته می‌شود. در کشتی گیله‌مردی جست‌زنی را پیش کسوت‌ها آغاز می‌کنند؛ پای راست را جلو می‌گذارند و پس از برداشتن دو یا سه گام به هوا می‌جهند و این حرکت را دو بار تکرار می‌کنند. سپس پای راست را جلو می‌گذارند و در حالی که خم شده‌اند، دست راست را روی زانوی راست قرار می‌دهند. آنگاه لب‌ها و پیشانی خود را با دست لمس می‌کنند. این عمل را در جهت مرقد مقدس امام هشتم شیعیان، امام رضا علیه‌السلام و مکه مکرمه نیز اجرا می‌کنند.

فنون کشتی گیله‌مردی

- سیبیل توکی (sibil tuki): برای به خشم آوردن حریف با نوک انگشت به سیبیل یا لب و دهان او می‌زنند.
 - پسا لنگ (pasâ lang): پهلوان، مشت‌ی حواله حریف می‌کند و او برای احتراز از ضربه، جست‌ی به عقب می‌زند. در این هنگام، پهلوان با ضربه‌ای، به پشت پای حریف می‌زند.
 - تک موشت (taka mošt): به پهلوی حریف ضربه زدن.
 - سر جیگیر (sar jigir): کتف حریف را با دو دست گرفتن و با سر فشار وارد کردن.
 - سر فوشان (sar fušân): دست در گردن حریف انداختن و ناگهان به طرف خود کشیدن.
 - دس به النگ (das be alang): با دست به پشت پای حریف ضربه زدن.
 - دس به چکره (das be čakare): پاهای حریف را گرفتن.
 - ران پوشتی (rân pušti): با دست پشت ران حریف را گرفتن.
- فن‌های دیگری مانند «پا بوز جیگیر» (pâ buz jigir)، «دقوشان» (dequšân)، «بال کش» (bâl keš)، «جو گوردان» (jo gordân)، «پوشت دسی» (pošt dasi) و

«بال کول» (bâl kul) نیز در این کشتی اجرا می‌شود.

در این هم‌آورد، به هم پیچیدن دو پهلوان و بر سر دست بلند کردن و بر زمین زدن حریف مقابل از همه تماشایی‌تر است. اگر پهلوان ربوده شده، هنگام به زمین آمدن نتواند تعادل خود را حفظ کند و در نتیجه، دستش به زمین بیاید، بازنده محسوب می‌شود. امروزه درگیری، مشت پراندن و بسیاری از حرکات خطرناک ممنوع شده است. در صورت ارتکاب هرگونه حرکت ممنوع، طرف مقابل، بلافاصله دو دست را بر هم می‌زند و استراحت می‌طلبد. این درخواست فرصت، در هر لحظه از درگیری و حتی زمانی که دو حریف در هم پیچیده‌اند، آزاد است. پهلوان‌ها حتی زمانی که سرگرم مشت زدن به یکدیگر هستند، اگر احساس کنند که خطر در کمین آنهاست می‌توانند فرصت بخواهند. آن‌گاه دوباره در میدان قدم برمی‌دارند و حریفی که فرصت خواسته بود، برای آغاز هم‌آوردی دست می‌زند.

از ویژگی‌های دیگر کشتی گیله‌مردی این است که همه کارها در میدان، بدون سخن گفتن و با حرکات ویژه انجام می‌شود. نیایش و ابراز شادمانی، با خاک‌بوسی، کرنش و پریدن و حریف‌خواهی، با دست زدن و تعظیم صورت می‌گیرد. در گذشته، وقتی پهلوانی در برابر پهلوان دیگر خم می‌شد و دست می‌زد و او را به مبارزه می‌طلبید، اگر پهلوان حریف‌خواه، فرودست بود، نفر مقابل هر دو دستش را بالا می‌برد یعنی من با سرگروه محله شما کشتی می‌گیرم و اگر با دست محکم به ران خود می‌زد، یعنی تو حریف من نیستی، کس دیگری را انتخاب کن.

پهلوان دوباره نیم‌تنه‌اش را به تن می‌کرد و مقابل دسته ساز و نقاره‌زن می‌نشست. این کار را به ترتیب تمامی کشتی‌گیران انجام می‌دادند.

وقتی کشتی‌گیران گروه‌های مختلف همگی روی زمین می‌نشستند، یک یا دو «تنگوله»^۱ (tangle) از یک دسته وارد میدان می‌شدند، نیم‌تنه‌های خود را از تن بیرون می‌آوردند و در



میان میدان راه می‌رفتند. یک یا دو تنگوله از دسته دیگر نیز پس از درآوردن نیم‌تنه‌های خود با بازوان گشاده در میدان راه می‌رفتند و چون مقابل آنها قرار می‌گرفتند، خم می‌شدند، دست‌ها را به طرف پایین می‌زدند و به این ترتیب مبارز می‌طلبیدند. در صورتی که تنگوله‌ای دعوت مبارزه را بپذیرد، به همان نحو

رفتار می‌کند و در صورت امتناع نشان می‌دهد که حریف را لایق برابری با خود نمی‌داند. در چنین شرایطی، گاه کدخدا جلو می‌آید و از او می‌خواهد که کشتی بگیرد و وعده می‌دهد که اگر حریف را زمین بزند، به او یک برم^۲ می‌دهد.

پس از پایان کار تنگوله‌ها، یک پهلوان برمی‌خیزد و در طول و عرض میدان راه می‌رود، به این کار «ورزش کردن» می‌گویند، پهلوان دیگری هم همین کار را تکرار می‌کند، بعد دو کشتی‌گیر به موازات هم، چند گام به سمت جلو برمی‌دارند و سپس به عقب برمی‌گردند، به این کار نیز «فامج» می‌گویند. سرانجام، دو پهلوان، در مقابل هم قرار می‌گیرند و در حالی که دست‌هایشان را به زانوان خود تکیه داده‌اند، به چشمان هم نگاه می‌کنند و با مشت‌های بسته،

۱. شاگرد پهلوان که همیشه هنگام اجرای کشتی همراه کشتی‌گیر است.

۲. baram: جایزه کشتی‌گیله‌مردی

یکدیگر را به مبارزه می‌طلبند. هر چند یک بار نیز فریادهایی مقطوع به صورت «ها...ها...» از دهان آنها شنیده می‌شود. به این عمل «فازوما» یا «فوسما» گفته می‌شود. وقتی «فازوما» سه بار تکرار شد، کشتی‌گیران با هم دست و پنجه نرم می‌کنند.

کشتی‌گیر هنگامی بازنده خواهد بود که یکی از اعضای بدنش (به استثنای پاها) به زمین برسد. کشتی‌گیران، با مشت و پا همدیگر را می‌زنند و سعی می‌کنند تا حریف خود را مغلوب کنند. کشتی‌گیر بازنده، پس از پوشیدن نیم‌تنه خود، به تماشاچیان ملحق می‌شود چون دیگر اجازه ندارد به دسته کشتی‌گیران بپیوندد اما دوستان پهلوان پیروز وارد میدان می‌شوند و پیشانی برنده را می‌بوسند. عده‌ای هم برای ابراز خوشحالی کلاه‌های خود را به هوا پرتاب می‌کنند.

پهلوان، مقابل کدخدا جستی می‌زند و انعام مختصری می‌گیرد و بعد در برابر سرشناسان منطقه و دوستان و آشنایان خود نیز این عمل را تکرار می‌کند. پهلوان از آنچه دریافت می‌کند، انعامی هم به نوازندگان و نقاره‌چیان می‌بخشد و بعد یا از میدان خارج می‌شود یا همان جا می‌ماند.

ماندن پهلوان در میدان، نشانه طلبیدن مبارز دیگری است. اگر مبارزی به میدان نیامد، او می‌تواند همه پاداش‌ها را برای خود بردارد ولی به طور معمول در چنین مواقعی، کدخدا از او می‌خواهد تا روز بعد هم صبر کند و چنانچه کسی حاضر به مبارزه با او نشد تمامی پاداش‌ها را به خودش اختصاص بدهد.

در گذشته‌های دور، پهلوانی که بی‌رقیب می‌ماند، یک «شال ابریشمی گلدار» به رسم جایزه دریافت می‌کرد که آن را دور کمر خود می‌بست.

در آن روزگار، هر روستا دارای دسته‌ای کشتی‌گیر بود که عموم جوانان روستا را دربرمی‌گرفت. جوانان زیر نظر کشتی‌گیر ماهری که «سرکشتی» نامیده می‌شد و داوری مسابقات را بر عهده داشت، به تمرین می‌پرداختند. کشتی‌گیران در کار خود از شیوه‌های

متفاوتی پیروی می‌کردند و کشتی گیله‌مردی در پاره‌ای نقاط، به نام «کشتی مازندرانی» معروف بود.

در بعضی از روستاها، کشتی از شب چهارشنبه‌سوری آغاز می‌شد و تا روز سیزده فروردین برای انتخاب قهرمان روستا ادامه پیدا می‌کرد. گاه قهرمانان در مراسم «پنجک» که بیشتر در دهه سوم فروردین برگزار می‌شد، به زورآزمایی می‌پرداختند.

در موشتی کوشتی هیچ یک از دو طرف در صورت مضروب شدن، ادعای خسارت و دیه نمی‌کند و هیچ کس در این زمینه مسئولیتی ندارد.

گاه پهلوانان، منگوله‌ای را با نخ‌ی الوان به گردن می‌آویزند که «گردن گول» (gardan gul) نامیده می‌شود. همچنین بازوبندی چرمین را که در آن دعایی نهاده شده بر بازو می‌بندند و شلوار چسبان سیاهی می‌پوشند که گاه قلاب‌دوزی شده است و «لا‌سپاره» (lâspâre) خوانده می‌شود.



بیشتر اوقات پهلوانان پیش از آغاز کشتی «گردن گول» را از خود دور می‌کنند؛ اما بازوبند را اگر داشته باشند نگه می‌دارند.

تماشاچیان حاضر در میدان مسابقه، بیشتر مرد هستند اما اگر مسابقه در داخل آبادی یا

روستا برگزار شود، زنان هم از دور نگاه می‌کنند و حتی گاه جایگاهی هم برای آنان در نظر گرفته می‌شود. در بسیاری اوقات انتخاب همسر در حاشیه همین میدان‌ها صورت می‌گیرد و پهلوانان برنده مورد توجه قرار می‌گیرند.

از مسابقات مهم کشتی گیله‌مردی که در سال‌های گذشته برگزار شده می‌توان از دو مسابقه یاد کرد:

۱. در سال ۱۳۴۵ مسابقه‌ای میان پهلوانان این رشته ورزشی برگزار شد که هنرنمایی پهلوانان گیلان در طول برگزاری مسابقه، برای همه تماشاچیان خاطره‌انگیز بوده است.
۲. مسابقه کشتی گیله‌مردی سال ۱۳۵۲ که میان پهلوانان نامی استان و در منطقه «شیطان کوه» لاهیجان برگزار شد.

این مسابقه به دلیل کثرت پهلوانان شرکت‌کننده، چهار روز ادامه داشت و در تمام این مدت از مراسم آن فیلمبرداری می‌شد تا از طریق شبکه سراسری پخش شود. در این مراسم، پس از پایان هر کشتی، به حریف برنده جایزه‌ای داده می‌شد که عبارت از چند متر پارچه یا مانند آن بود.

امروزه نیز مسابقات کشتی گیله‌مردی هر سال با حضور قهرمانان این رشته از استان‌های گیلان و مازندران در فصل پاییز و در شهرها و بخش‌های مختلف استان گیلان برگزار می‌شود.

جایزه کشتی‌گیر

جایزه کشتی گیله‌مردی «برم» (baram) نام داشت. اما به جز آن؛ بره؛ بز؛ گوسفند؛ گوساله؛ گاو و اسب هم بنا بر قرارداد و اعلام دعوت‌کننده مسابقه، به برنده اهدا می‌شد. برم، نهال بدون ریشه یا شاخه‌ای از درخت به بلندی دو تا دو و نیم متر است که جایزه برنده را در آن می‌آویزند.

در شب مسابقه، برنده نهایی اجازه دارد جایزه‌اش را دریافت کند. این جایزه، به دو صورت اهدا می‌شود:

۱. جایزه نقدی که از تماشاچیان گرفته می‌شود و به نام «دوران» معروف است. پهلوان بعد از آن که حریف خود را شکست داد و پیشانی و روی او را بوسید در حالی که فریادهای شادمانه می‌کشد و جست می‌زند، به میان تماشاچیان می‌رود و «دوران کردن» را از بزرگان مجلس آغاز می‌کند؛ او در برابر هر یک از حاضران می‌پرد و به نشانه ادب زمین را می‌بوسد و پول نقد دریافت می‌کند. بنا بر عرف یا طبق قراردادی که پیش از مسابقه تنظیم شده، ممکن است بخشی از این مبلغ جمع‌آوری شده به حریف مغلوب هم تعلق بگیرد.

هنگام کشتی گرفتن پهلوانان نامی، پیش از آغاز، برایشان دوران می‌زنند و آن را به طور مساوی بین دو هم‌اورد تقسیم می‌کنند. این «پیش دوران» را اغلب میاندار جمع می‌کند. هر پهلوانی که پیروز شد، دوباره دوران می‌زند که متعلق به خود اوست.

۲. جایزه دیگر، برم است که در هر شب، برندگان هر مسابقه می‌توانند آن را دریافت کنند و با خود ببرند. اما چون مسابقه در شب‌های متوالی برگزار می‌شود و پهلوان برنده می‌تواند در شب‌های دیگر هم به مسابقه بیاید و کشتی بگیرد، اغلب برم برنده را در میدان می‌نهند یا از چند برم، پهلوان یکی را بر دوش می‌گیرد و همراه هم‌محلّی‌های خود در حالی که برایش غریو شادی سر می‌دهند و ثناخوانی می‌کنند، به روستای خود می‌برد. او آزاد است این افتخار را برای خود نگه دارد یا در شبی دیگر، برای به دست آوردن افتخاری بزرگ‌تر، دوباره به میدان بیاید.

جمع‌بندی

ورزش پهلوانی از جمله ورزش‌های بومی رایج در مناطق مختلف کشور بود. این ورزش‌ها که به صورت نوعی زورآزمایی جوانمردانه میان پهلوانان انجام می‌شد، در گذشته جایگاه پراهمیتی داشت. حضور پهلوانان و گردهمایی مردم برای دیدن این مسابقات، نوعی همبستگی را میان افراد جامعه بویژه در جوامع کوچک ایجاد می‌کرد. قواعد و شکل خاص اجرای کشتی

در مناطق مختلف، متنوع بود اما آنچه همه کشتی‌گیران رعایت می‌کردند، جوانمردی در طول اجرای مسابقه بود. ترویج و اشاعه کشتی‌های بومی، ضمن احیای دوباره آنها می‌تواند نقطه عطفی برای ایجاد همبستگی در میان مردم تلقی شود. همچنین توجه به ورزش‌های بومی می‌تواند نقش هویت‌بخشی را برای کشورمان ایفا کند.



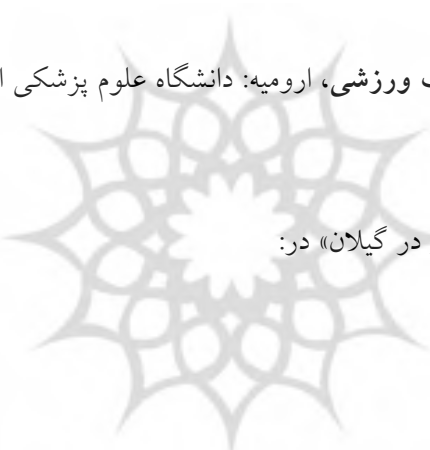
منابع

الف) کتاب

۱. آذربانی، احمد و کلانتری، رضا (۱۳۸۲) اصول و مبانی تربیت بدنی و ورزش، تهران: انتشارات آبیژ.
۲. اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۷۴) گیلان، تهران: گروه پژوهشگران ایران.
۳. پاینده لنگرودی، محمود (۱۳۷۷) آیین‌ها و باورهای گیل و دیلم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴. سخنی، رحمت (۱۳۸۸) طب ورزشی، ارومیه: دانشگاه علوم پزشکی ارومیه.

ب) اینترنت

۱. بشرا، محمد، «آیین‌های گذر در گیلان» در: www.gilan.irib.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی